

اقتصاد و معماری: تأثیر اوضاع اقتصادی ایران دوره قاجار بر الگوهای معماری و

شهرسازی

چکیده

ورود سرمایه‌داری به ایران با تغییرات گسترده در نظام اقتصادی همراه بود. در حالی که ساختار تولید کشور در اوائل دوره قاجار مبتنی بر تولید محصولات کشاورزی و صنایع دستی و صادرات آن بود، در اواخر با زوال و آسیب‌دیدگی جدی کشور را به یک واردات‌کننده بزرگ از کشورهای اروپایی و روسیه تبدیل کرد. با تعطیلی کارخانه‌های داخلی، تلاش‌ها برای درونی‌کردن سرمایه‌داری به شکست انجامید و عدم توانایی بخش خصوصی در رقابت با سرمایه‌داری خارجی منجر به سودآوری تجارت مبتنی بر واردات و رانت شد. نتیجه این اتفاقات بر معماری و شهرسازی کشور بر دو مسئله قابل مشاهده بود. یکی افزایش جمعیت شهرها و نیاز به توسعه آن‌ها که با خیابان‌کشی‌های جدید و حضور بناهایی با عملکردهای نوین همراه بود. اتفاقی که به بورس‌بازی زمین منجر شد و بر جدایی طبقات اجتماعی تأکید نمود. دوم تأثیر غیرمستقیم سرمایه‌داری خارجی که به حضور اتباع اروپایی در شهرهای ایران انجامید و به روند آشنایی ایرانیان با فرهنگ و مظاهر تمدن غربی شدت بیشتری بخشید. در این تحقیق با روش‌های تفسیری-تاریخی و استدلال منطقی به ارتباط متقابل میان وضعیت اقتصادی و تحولات معماری و شهرسازی شهرهای ایران در دوره قاجار پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که این فراگرد نه تنها بر شکل شهرها و سیمای ساختمان‌ها تأثیرگذار است بلکه با مقنضیات سیاسی-اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای همراه شد که همین پیامدهای آن را پیچیده‌تر و تأثیرگذاری‌اش را بیشتر کرده بود.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی چگونگی تأثیرات شرایط اقتصادی دوره قاجار بر تحولات شهرهای ایران.
۲. بازشناسی الگوهای معماری به‌کار رفته تحت تأثیر تحولات اقتصادی دوره قاجار.

سوالات پژوهش:

۱. شرایط اقتصادی و جریان‌های سرمایه‌داری دوره قاجار تا چه حد بر تحولات شهرهای ایران مؤثر بوده است؟
۲. الگوهای معماری به‌کار رفته در دوره قاجار تا چه حد تحت تأثیر شرایط اقتصادی این دوره قرار داشته‌اند؟

کلیدواژه‌ها: معماری و شهرسازی، تحولات اقتصادی دوره قاجار، سرمایه، شکل شهر.

مقدمه

انقلاب صنعتی به مثابه سکوی پرتابی بود که جهان را به دوره‌ای تازه از اقتصاد، سیاست و روابط اجتماعی وارد ساخت. ظهور جریان‌های سرمایه‌داری و تقسیم جهان به دو بخش نابرابر استعمارگر و تحت استعمار صحنه بروز کشمکش‌ها و رقابت‌های بسیاری میان این دول و سایر ملت‌ها گردید. تلاش‌ها برای سیطره همه‌جانبه بر منابع طبیعی و بازارهای مصرف کشورهای گروه دوم، این گروه از کشورها را نیز دچار دگرگونی‌های جدی در مواجهه با این جریان نمود. ایران یکی از کشورهایی بود که به دلیل فرارگیری در موقعیت ژئوپلتیک خاص که شامل همسایگی با دولت استعمارگر روسیه، موقعیت دسترسی به آب‌های آزاد و همسایگی با هند تحت استعمار انگلستان می‌شد، خیلی زود تحت تأثیر جریان‌های اواسط قرون نوزده میلادی قرار گرفت. با توجه به این تحولات، سازمان فضایی شهرها را نسبت به قبل دستخوش تغییر کرد، چراکه ارزش‌های جدیدی جای زمینی که در قرون وسطی منشاء اقتدار اشخاص بود گرفته بودند. بنابراین ساختار اقتصادی ایران که مبتنی بر طبقه‌بندی اقشار به کشاورزان، پیشه‌وران، تجار، روحانیون و طبقه حاکمه می‌شد تحت تأثیر جریان‌های سرمایه‌داری وارد شده از غرب قرار گرفت. فشار تولیدات ارزان‌قیمت مراکز صنعتی اروپایی که همراه با حمایت و اعمال فشار همه‌جانبه دولت‌های مطبوع‌شان همراه بود، نظام تولید و عرضه سنتی را به شدت تحت فشار قرار داد و آن را دچار دگرگونی‌های جدی نمود. بدین ترتیب ایران در اواسط قرن نوزدهم خود را برای ورود به دوران جدیدی آماده می‌کرد که سرمایه‌داری داخلی باید در رقابت با سرمایه‌داری خارجی قرار می‌گرفت و افزایش قابل اعتنای جمعیت شهرها - بخشی ناشی از مهاجرت روستائیان به دلیل آسیب ساختار تولید زراعی و بخشی به دلیل افزایش طبیعی جمعیت ناشی از پیشرفت‌های متأثر از دنیای مدرن - پایتخت و شهرهای بزرگ را در موقعیتی جدید به لحاظ نظام شهرسازی و معماری قرار می‌داد. با این همه بررسی و تحلیل شرایط اقتصادی ایران در اواخر دوره قاجار (عملاً از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه به بعد) و میزان تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم آن می‌تواند نکات قابل اعتنای جدیدی را از تحولات شهرسازی و معماری ایران پیش از ورود همه‌جانبه اندیشه‌های مدرن دوره پهلوی برجسته سازد و درک کامل‌تری از بستر اجتماعی-سیاسی آن دوران به دست دهد.

هرچند تعدادی از متفکران عمدتاً متعلق به جریان چپ همچون دیوید هاروی، به بررسی ارتباط میان سرمایه و شهرسازی پرداخته‌اند اما علاوه بر این که رویکرد آنان انتقادی و در رد وضعیت موجود است، دامنه تحقیقات‌شان نیز به دوران پس از فوردیسم و اثرات آن بر نئولیبرالیسم رایج در قرن بیستم معطوف است. در ایران نیز به جز سیدمحسن حبیبی که به‌طور مشخص در کتاب شار تا شهر و و به‌شکل پراکنده در تعدادی از مقالاتش اشاراتی به رابطه سرمایه‌داری سنتی و غربی با شهرسازی دوره قاجار (و همین‌طور دوره معاصر) داشته، می‌توان گفت که محقق دیگری به این مسئله نپرداخته است. هرچند که اثر حبیبی نیز با گذشت زمان نیازمند بازنگری‌هایی است. به خصوص که وی دیدگاه کلی‌تری دارد و بیشتر بر سوبه‌های سیاسی-اجتماعی قضیه تکیه می‌کند تا بر جنبه‌های اقتصادی آن. مقیدکردن دامنه بحث به تحولات سبکی (که اساس نیز توسط مؤلف مطرح شده است) باعث شده تا تغییرات و تأثیرات در زمینه سبک‌های

اصفهان و تهران مورد بررسی قرار گیرد که خود از دقت آن می‌کاهد. بنابراین لزوم بررسی دقیق‌تر موضوع پژوهش احساس می‌شود. به شکلی که بتوان با دقت نظر بیشتری به ارتباط میان مفاهیم پرداخت و با اتخاذ رویه‌ای مبتنی بر شواهد تاریخی و واقعیت‌های عینی، بتوان تصویری واضح از موضوع بحث را ارائه نمود.

پژوهش از نوع کیفی است که بر اساس راهبرد تفسیری-تاریخی و متکی بر تدابیر کتابخانه‌ای تنظیم شده است. با توجه به فقدان آمارهای جامع و قابل استناد اقتصادی در زمینه‌ی تاریخی، نقش اسناد تاریخی به‌خصوص مراسلات و نامه‌نگاری‌ها که می‌توانند در کنار آمارهای منتشرشده درک صحیح‌تری از شرایط واقعی اقتصادی-اجتماعی اواسط و اواخر قاجار ارائه کنند، بهره‌گیری شده است. مراجعه به نقشه‌های تاریخی نیز به تکمیل تفسیرها و استدلال‌ها کمک کرده است.

نتیجه‌گیری

بخش‌های مختلف نظام اجتماعی در یک ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند و تغییر و تحول در هر بخش کوچکی در دیگر بخش‌ها نمود پیدا می‌کند. مرور شرایط اقتصادی، سیاسی و تحولات صورت گرفته در وضعیت شهرها به‌طور همزمان و مطالعه‌ی تطبیقی آن‌ها، نشان از آن دارد که همراهی این تحولات با ورود سرمایه خارجی، باعث پیوند هرچه بیشتر مسائل کالبدی با زیرساخت‌های اقتصادی شده است که الگویی متفاوت را از نظام سنتی پیشین نشان می‌دهد. این تحولات تا حدی است که عملاً به دگرگونی‌های جدی در معماری و شهرسازی این دوره منجر شده و مجموعه‌ای درهم‌آمیخته از شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در ارتباط با آن صورت‌بندی کرده است. اقدامات دولت در طرح خیابان‌های جدید که بستر لازم را برای رشد سرمایه‌داری جدید فراهم ساختند و دگرگونی‌های بااهمیتی را در کالبد و سیمای شهر به وجود آوردند در عین حال که به‌مثابه بستری برای تحولات بعدی عمل کرده خود زمینه‌ساز تغییرات در نگرش‌ها و سلايق نخبگان و عموم نیز شده است. در واقع همراهی این تحولات ساختاری با حضور روزافزون اتباع خارجی که شیوه‌ی به‌خصوصی از معماری مطلوب خود را رواج می‌داده‌اند، به شکل‌گیری نوعی از تبادلات فرهنگی میان ساکنین بومی شهرها و میسیونرها و سفرای خارجی منجر شده که هرچند در قدم اول به منظور رفع نیازهای عرضه و تقاضای حاکم بر بازار رخ داده اما در ادامه جنبه‌ای درونی‌تر به خود گرفته و همراه با جریان نوحواهی و تجددخواهی به سایر سطوح جامعه اشاعه پیدا کرده است. هرچند در این مرحله نیز عملاً طبقه‌ی نخبگان با توان بالای اقتصادی پیشگام تجربه‌ی تحولات بوده‌اند.

مقایسه اتفاقات سیاسی-اقتصادی با بناهای شاخص معماری و تحولات شهرسازی نشان می‌دهد که با شدت گرفتن سرمایه‌داری و گسترش روزافزون تجارت، یا به بیان دیگر اتفاقی که کشور روز به روز به سمت وابستگی اقتصادی سوق می‌داد، بناهای بااهمیت‌تری در مقیاس شهری ساخته می‌شوند و تحولات شهرسازی نیز اهمیت بیشتری می‌یابد. این مسئله از آن جهت می‌بایست مورد توجه قرار گیرد که بدانیم کشور پس از سال‌ها بی‌ثباتی و آشوبی که پس از انقراض

صفویه تجربه کرده بود، نیاز به ثبات و سرمایه‌ای داشت که بتواند به سامان‌دهی اقتصاد بپردازد. امری که در کنار تغییر ترکیب جمعیتی، تأثیرات فرهنگی و خواسته‌های سیاسی شکل شهرهای ایران را تعیین نمود.

منابع و مأخذ:

اتحادیه، منصوره؛ میرمحمدصادق، سعید. (۱۳۸۴). مراسلات طهران: نامه‌های مباشر میرزااحسین خان مبصرالسلطنه از تهران به کاشان. تهران: کتاب سیامک.

اشرف، احمد. (۱۳۵۹). موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه. تهران: زمینه.

افشار اصل، مهدی؛ خسروری، محمدباقر. (۱۳۹۲). معماری ایران در دوره قاجار، هنر و معماری (۳۶): ۱۲۰-۱۳۸. پویان، حسن. (۱۳۴۴). مترجم: مقدمه بر سازمان اقتصادی ایران اوائل قاجار. نوشته: گوین همبلی. بورس (۲۰): ۴۴-۳۷.

پیران، پرویز. (۱۳۸۱). شورا در ایران: نگاهی آسیب‌شناسانه. فصلنامه رفاه اجتماعی (۵): ۱۰۲-۷۱.

حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۷۳). از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

خانپور، آرزو؛ آشوری، محمدتقی. (۱۳۸۸). واردات شیشه در دوره قاجار، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی (۱): ۳۶-۱۲.

ریاضی، ابوالحسن. (۱۳۸۹). تأثیر تجدد بر سازمان فضایی شهر تهران در اواخر دوره قاجار، تحقیقات فرهنگی ایران (۱۱): ۱۴۸-۱۲۹.

سالور، قهرمان‌میرزا. (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه. تهران: اساطیر.

سعیدی‌نیا، حبیب‌الله. (۱۳۸۳). تاریخ روابط سیاسی، اقتصادی ایران و انگلیس در دوره ناصری (با تکیه بر حوزه خلیج فارس)، تاریخ روابط خارجی (۲۱): ۸۹-۱۱۸.

شاهدی، مظفر. (۱۳۹۰). رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار. تاریخ روابط خارجی (۴۶): ۱۵۸-۱۲۹.

شهواری، ابوالحسن. (۱۳۷۷). بررسی اجمالی موانع رشد تجارت و شیوه‌های معامله در دوره قاجار. مسکویه (پیش شماره ۲): ۸۳-۱۰۰.

صادقیان، نادعلی. (۱۳۸۹). تأملی تاریخی و حقوقی بر قراردادهای نفتی ایران در عصر قاجار. گنجینه اسناد (۷۹): ۲۱-۶.

علائی، سیروس. (۱۳۹۰). اولین نقشه رسمی تهران، بازگوی فرهنگ شهری ایران در سده‌ی نوزدهم ایران‌شناسی (۵۵): ۱۴۲-۱۲۰.

علیزاده، محمدعلی. (۱۳۸۸). «تأثیرات اقتصادی نظام سرمایه‌داری غرب بر نظام ایلی عشیرتی ایران از عصر قاجار تا پایان دوره پهلوی اول». بررسی‌های نوین تاریخی (۲): ۱۰۵-۱۲۲.

عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران، مترجم یعقوب آژند، تهران: گستره.

فدایی‌نژاد، سمیه؛ کرم‌پور، کتایون. (۱۳۹۶). «تحلیل اثر تغییرات کالبدی عناصر شاخص محله بر بافت عودلاجان». نشریه هنرهای زیبا (۲۸): ۶۵-۷۴.

فرهادپور، مراد. (۱۳۹۳). «هگل افق تفکر ماست». اطلاعات حکمت و معرفت، (۳): ۱۱-۱۷.

قبادیان، وحید؛ رضایی، محمود. (۱۳۹۷). «نخستین میدان مدرن شهر تهران بررسی دگرگینی تاریخی-فضایی میدان‌های کهن تهران تا دوره مدرن». پژوهش‌های جغرافیای انسانی (۸۶): ۱۷۷-۱۹۶.

مهدیزاده، جواد. (۱۳۹۸). «شهر و تاریخ: دوره تکوین و شکل‌گیری تهران قدیم». جستارهای شهری (۲): ۱۳-۲۲.

نادی، زهرا و همکاران. (۱۳۹۶). «رشد مناسبات اربابی و تأثیر آن بر زندگی کشاورزان در دوره قاجار». فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های تاریخی (۳۶): ۲۷۷-۲۹۳.

هادی‌نژاد، فاطمه. (۱۳۹۷). «اوضاع اجتماعی و اقتصادی رشت در اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه». پژوهش‌های علوم انسانی (۲۴): ۷۳-۹۶.

Foran, J. (1989). The Concept of Dependent Development as a Key to the Political Economy of Qajar Iran (1800- 1925). *Iranian studies*, Vol 22 (2/3): 5-56.

Piketty, T. (2014). *Capital in the Twenty-First Century*. Belknap Press: An Imprint of Harvard University Press.